

# وقتی شعر مثل بستنی خواستنی می شود

نیره سادات هاشمی

نام کتاب: فقط یک بستنی قیفی  
شاعر: الهام حسینی زاوه  
تصویر گر: یاسمن ثروتیان  
ناشر: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)  
تعداد صفحات: ۲۴ صفحه  
گروه سنی مخاطب: ب  
چاپ اول: ۱۳۸۹  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه



شعر کودک و نوجوان امروز در سال‌های اخیر شاهد بروز و ظهور استعدادهای نویی بوده و هست. شاعرانی که در اولین گام‌های خود آثار نسبتاً خوبی را عرضه می‌کنند. به نظر می‌رسد کتاب «فقط یک بستنی قیفی» هم باید جزء اولین تجربه‌های شاعرش در حوزه‌ی کتاب محسوب شود. الهام حسینی زاوه در این اثر با «ده» چهار پاره برای مخاطب کودک مجموعه‌ای قابل تامل فراهم آورده است.

در این نوشته برای آشنایی بهتر با چگونگی عملکرد شاعر آثار از دو منظر بررسی می‌شود:

## الف) موضوع و مضمون:

موضوع‌هایی که در این کتاب بدان‌ها پرداخته شده است، غالباً امروزی هستند. در واقع کودک متن، کودکی است که در امروز زندگی می‌کند و با مسائل موجود در زندگی کودکان معاصر همگام است. موضوع شعرها غالباً نو است. به جز چهار پاره «عمه سرما» که همان موضوع کهنه‌ی «ننه سرما» است. شروع شعر هم همان روایت تکراری است:

«باز دارد می‌رسد / عمه سرمای عزیز / هست توی بچه‌اش / برف‌های ریز ریز...»

در میان موضوع‌هایی که شاعر در این کتاب به آن‌ها پرداخته است «بستنی قیفی»، «ماشین اوراق» و «بلوز کهنه» تازه‌تر هستند.

## طنز:

«آیرونی<sup>۱</sup> به معنی عام صنعتی است که نویسنده یا شاعر به واسطه‌ی آن، معنایی مغایر با بیان ظاهری در نظر دارد. با توجه به گستره‌ی معنایی آیرونی در مباحث ادبی غرب، شاید بهترین معادلی که بتوان در زبان فارسی برای آن پیشنهاد کرد اصطلاح «نعل وارونه» باشد که دکتر سیروس شمیسا در کتاب کلیات سبک‌شناسی به کار برده است.<sup>۲</sup> یکی از گرایش‌های مضمونی که می‌توان در این کتاب دید، طنز است.

«آنچه در بحث طنز دارای اهمیت است، ارزش هنری آن است، چراکه طنز در بالاترین کار کرد هنری خود نوعی بیان هنری است؛ و از آنجا که به طور غیر مستقیم، «مقصود و منظور حقیقی» را می‌رساند، گونه‌ای مجاز<sup>۳</sup> به شمار می‌رود. که با نقل و انتقال در محور جانشینی کلام سر و کار دارد. در معانی و بیان کلاسیک و فن خطابه، طنز یکی از شیوه‌های بیان دو پهلو است که خطیب در آن به طور صریح، هدف را نشانه نمی‌گیرد بلکه از راه‌های مجازی، مخاطب را به منظور خود آشنا می‌کند و بدین وسیله بر تأثیر و گسترش معانی آن می‌افزاید.<sup>۴</sup>»

در سال‌های اخیر تمایل به رویکرد طنز در آثار به خصوص نوجوان شعر امروز، فراوان دیده می‌شود. این موج چنان که می‌بینیم به شعر کودک هم رسیده است. البته در شعر نوجوان گرایش به طنز صریح بیشتر است؛ ولی در شعر کودک این تمایل به «آیرونی کلامی یا طعنه» پر رنگ‌تر می‌نماید. از نمونه‌های آن می‌توان اثر «چه کسی کلاغ را اختراع کرد» از علی اصغر سید آبادی یاد کرد.

طنز این کتاب راهم باید در شاخه‌ی طنز کلامی یا طعنه<sup>۵</sup> قرار داد. شاعر با توجه به وقایع زندگی شخصی و اجتماعی کودک نقایص و کاستی‌ها را با تصاویر و زبان خاص خود مطرح می‌کند. البته موفقیت شاعر در بیان این مضامین نسبی است. چون به زعم نگارنده، در طرح بعضی از این آثار دچار افراط و تفریط‌هایی شده است. بطور مثال شعرهای «کرم سبز» و «خانه ما» اگرچه هر دو طنز تلخی دارند؛ ولی در «کرم سبز» - با وجود خشونت پنهان در آن - بسیار تلطیف شده است. کودک شعر کرم سبز رنگی را دنبال می‌کند که عاقبت خوراک یک سار می‌شود:

«یک کرم کوچک و سبز / می‌رفت این ور آن ور / مثل مداد سبزم / کوتاه بود ولاغر...»

از شاخه‌ی درختی / آرام رفت بالا / تا برگ ترد و تازه / پیدا کند در آنجا / یک دفعه دیدم آمد / از پشت بام، یک سار / آن کرم سبز را خورد / با اشتهای بسیار»

درست است که کودک به گونه‌ای شاهد یک خشونت طبیعی است؛ ولی شاعر طوری زمینه سازی می‌کند که مخاطبش آن را به صورت اتفاقی ناگزیر، جزء چرخه‌ی طبیعی به حساب آورد. اما در شعر «خانه ما» با وجود اینکه موضوع امروزی تر است و از عمومیت بیشتری در زندگی شهری برخوردار است؛ ولی فضایی بسیار تلخ رابه مخاطب تسری می‌دهد:

«خانه‌ی ما کوچک است / هست یک آپارتمان / بیست واحد رفته است / روی هم تا آسمان / تا می‌آبی توی آن / می‌دهد بو پیف! پیف! / دارد او هشتاد تا / پله‌ی زشت و کثیف / راهروهایش دراز / نرده‌هایش ساده است / چند جا گچ‌های سقف / انم زده افتاده است...»

از طرف دیگر معلوم نیست تصاویر ناخوش آیندی که شاعر از این خانه می‌دهد به همین صورت مورد توجه کودک این گروه سنی باشد. زیرا «کودک، ویژگی‌های خاص خود را دارد. خوش بین و امیدوار است. احساس حقارت نمی‌کند. کودک گاهی واقع گرا گاهی خیال‌پرداز و داستان‌پرداز است. کودک دارای خود پنداری مثبت است. کودک مسئولیت پذیر است و از آن لذت می‌برد.»<sup>۶</sup> با وجود ویژگی‌هایی از این دست، به این نتیجه می‌رسیم که کودک به راحتی خود را با فضای پیرامون خود وفق می‌دهد و اشاره به چنین مواردی فقط می‌تواند القا یک دیدگاه بزرگسالانه به مخاطب باشد. اشاره‌هایی که او را زودتر از سن مناسب نسبت به فضای پیرامونش حساس می‌کند. مثلا بارها دیده شده است که کودک در میان انتخاب دو عدد به رقم بزرگ‌تر تمایل نشان داده است، زیرا احساس غرور بیشتری در داشتن آن حس می‌کند. و یا از میان عروسک‌ها به عروسک حتی بزرگ‌تر از خودش تمایل نشان می‌دهد، چون در کنار آن احساس امنیت می‌کند. پس برای این کودک بیست واحد بر عکس نظر شاعر، می‌تواند غرور انگیز باشد. یا بوی بد آپارتمان و سادگی نرده‌ها و... این‌ها مواردی هستند



که بیشتر برای بزرگترها آزار دهنده هستند و به نظر نمی‌آید کودک متولد شده در فضای ناگزیر شهری امروز چندان به آن‌ها توجه کند و دیگر اینکه مجبور نیستیم همه بدیه‌های زندگی را به رخ کودک بکشیم آن هم در شعر!  
در مقابل فضای سیاه این اثر، شاعر، شعر «غول مهربان» را در فضایی کاملاً سفید می‌آورد. او در این شعر به اتوبوس - یکی دیگر از نشانه‌های زندگی شهری - بسیار شیفته وار و مثبت می‌نگرد و آن را «غول مهربان» می‌نامد.  
«بوق وبوق وبوق / بوق / می‌رسد از راه دور / می‌کند تند و سریع / از خیابان‌ها عبور / مثل غولی مهربان / باز پیدا می‌شود / فس و فس درهای آن / روی هم تا می‌شود...»

البته در این قسمت بی‌توجهی کوچکی هم هست، و آن روشن نبودن منظور شاعر از عبارت «روی هم تا شدن» درهای اتوبوس پس از ورود به ایستگاه است. چون این عبارت بطور معمول یعنی «بسته شدن». در حالی که وقتی اتوبوس به ایستگاه می‌رسد باید درهای آن باز شود!

دست در دست عروس «یکی دیگر از شعرهای این کتاب است. علی‌رغم موضوع خاص و جالبی که دارد؛ ولی در آن به مواردی برمی‌خوریم که خارج از احساس و نظر یک کودک است.

«خوش به حالش که شده / دایمی من داماد / به! چه داماد گلی / مثل شاخ شمشاد...»

بطور معمول کودک از عروسی دایمی‌اش باید خوشحال شود و عجیب است که به آن غبطه بخورد! بگذریم از اینکه براساس تجربه دیده شده است، خیلی از بچه‌ها از ازدواج دایمی‌ها خوشحال نمی‌شوند. زیرا فکر می‌کنند تقریباً دایمی را از دست داده‌اند و او دیگر مثل گذشته به آن‌ها توجه نخواهد کرد. ضمن اینکه در مراسم عروسی آنچه برای کودکان می‌تواند غبطه برانگیز باشد عروس، آنهم به خاطر لباس خاص اوست.

شاعر بر دیدگاه خود تا پایان اثر هم پا فشاری می‌کند:  
«حیف توی این جشن / من فقط مهمانم / کاش می‌شد باشم / جای دایمی‌جانم»

در حالی که کودکان به دلیل نزدیکی به صاحب این گونه جشن‌ها، حداقل مراسم را از آن خود دانسته و نسبت به آن احساس تملک می‌کنند.

شاعران دیگری هم شعرهایی با حال هوای عروسی سروده‌اند؛ اما کاملاً از جایگاه مخاطب خود به آن پرداخته‌اند. مثل:  
... «هاجر عروسی داره / تاج خروسی داره / مامان می‌گه که هاجر / خواهر لوسی داره / من که نخواستم اصلاً / توی عروسی

لوس شم / فقط یواش پرسیدم: / «کی می‌شه من عروس شم؟» (بیوک ملکی)  
یا:

... «عروس کیه؟ خواهر جونته / گل توی دستای اونته / می‌شینم فقط نگاش می‌کنم / نگاه به اون گوشواره هاش می‌کنم»  
(افسانه شعبان‌نژاد)  
یا:

«بوق بوق کنار برید / عروسیه، عروسی / دس ودس ودس، دست بزنید / عروسیه، عروسی / پیرهن من چین داره چین، مثل لباس عیده / مثل لباس عروسه، سفیده...» (مصطفی رحماندوست)

در مقابل این شعر، چهار پاره «بلوز کهنه» را می‌توان به عنوان اثری کاملاً موفق در نظر گرفت، چون در سبزه و معیارهای ذهنی و مناسب مخاطب این گروه سنی سروده شده است.

«یک بلوز کهنه دارم / واقعا که بد قواره ست / تورهای دور جیش / نخ نخ پاره پاره است / آستین‌های گشادش / شل شده افتاده پایین / مثل دلقک‌ها همیشه / دور دستم می‌خورد چین...»

نگاه کودکانه در متن این شعر درونی شده است و عاقبتی که شاعر برای این بلوز آرزو می‌کند، ضمن حفظ فضای طنز، کاملاً با معیارهای سنی و ذهنی مخاطب تناسب دارد:

«رفته رنگش، بس که خورده / آفتاب و باد و باران / کاش باد آن را بدزد د / از طناب رخت مامان»  
البته شیوه‌ی بیان شاعر در بیت اول این بند به گونه‌ای است که امکان دارد این شپشه را در مخاطب ایجاد کند که لباس



به دلیل ماندن بیش از حد روی بند به این روز افتاده است!

چهارپاره «فقط یک بستنی قیفی» هم تجربه‌ی موفقی از لحاظ تازه بودن موضوع، مضمون در این کتاب است. شاعر در این شعر ضمن توجه به تمام زوایای رفتاری کودک و مادر در این موقعیت، نگاه طنزآمیز خود را نیز دارد: «دوباره رفته‌ام بیرون / تمام روز با مامان / هوا گرم است و می‌خواهد / دلم یک بستنی الان / ولی مامان خوبم نیست / حواسش پیش من انگار / مرا هی می‌کشد با خود / به هر جایی که دارد کار / ببین! گرم شده مامان / کمی آهسته‌تر لطفاً / بخر یک بستنی قیفی / همین الان برای من»

با وجود نمونه‌های ذکر شده، شعرهای این کتاب را از نظر موضوع و مضمون می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: - آثاری که ضمن تازه بودن در موضوع، کاملاً با رفتارها و دریافت‌های گروه سنی مخاطب خود تناسب دارند. مثل: شهر بازی، فقط یک بستنی قیفی، بلوز کهنه، ماشین اوراق، کرم سبز و عروسک کودکی (البته با موضوع دو شعر اخیر نمونه‌هایی در آثار دیگر شاعران کودک و نوجوان وجود دارد).

- دسته‌ی دوم آثاری هستند که بین دنیای کودک و نوجوان معلقند. مثل: خانه‌ی ما، دست در دست عروس و غول مهربان

با توجه این دسته بندی (و تعداد و نسبت آثار خوب) می‌توان نتیجه گرفت، شاعر این کتاب در شناخت مخاطب خود نسبتاً موفق است.

### ب) فراز و فرودهای ساختاری و محتوایی:

در این مجموعه هم مثل هر مجموعه‌ی دیگری ضعف و قوت‌هایی دیده می‌شود.

- ارتباط محور عمودی و افقی:

ارتباط محور عمودی در شعر «دست در دست عروس» ضعیف است. هر بند از این شعر مثل قاب‌های جداگانه‌ای است که اگر آن‌ها جابه‌جا شود هیچ فرقی در محتوای اثر حاصل نمی‌شود. در واقع هیچ بندی زمینه‌ساز بند بعدی نیست. برای نمونه به دو بند (سوم و چهارم) از این شعر اشاره می‌شود:

... «موی خود را کرده / یک وری با شانه / می‌شود از فردا / مرد خوب خانه / دست در دست عروس / می‌رود راه، آرام / تا کسی می‌آید / می‌کند زود، سلام...»

و از لحاظ ارتباط محور افقی، چه ربطی بین «یک وری شانه کردن مو» و «مرد خوب خانه شدن» هست؟!

چهارپاره «خانه‌ی ما» و وضعیتی مشابه با شعر قبل دارد. این اثر هم از لحاظ محور عمودی چندان محکم نیست. هر بندش روایتگر یک قطعه جداگانه از وضعیت خانه است و مخاطب این گروه سنی باید بین این قطعات ارتباط برقرار کند. البته این به معنی عدم ارتباط نیست؛ ولی همان‌طور که درباره شعر قبلی گفته شد، این اثر هم مثل تکه‌های تصویری است که می‌توان به آسانی آن را جابجا کرد.

### مشکلات زبان:

ضعف در کاربرد حروف اضافه و عدم یکدستی زبان:

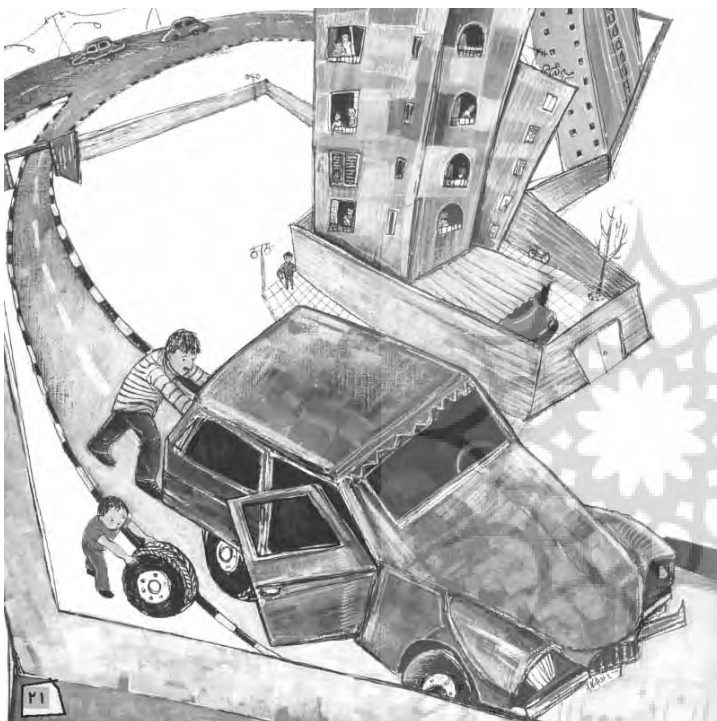
استفاده از حرف اضافه‌ی «توی» به جای «در» در این کتاب هم - مثل بسیاری از کتاب‌هایی که اخیراً چاپ می‌شوند - دیده می‌شود. احتمالاً این اتفاق نه فقط به دلیل ننگ‌جیدن حرف اضافه‌ی «در» در موسیقی رخ می‌دهد، که باید آن را به کاربرد متأسفانه مصطلح حرف اضافه‌ی «توی» که در زبان محاوره رایج است، در شعر امروز دانست. بی‌توجه به اینکه این کلمه تنها می‌تواند در شعرهای محاوره به کار برده شود.

- «تا می‌آیی توی آن» (شعر خانه‌ی ما، ص ۵)

- «هست توی بقیچه‌اش» (شعر عمه سرما، ص ۷)

- «می‌دهم من یک بلیت / می‌نشینم توی آن» (شعر غول مهربان، ص ۱۸)

با توجه به بسامد بالای این کلمه در شعر، می‌توان نتیجه گرفت که شاعر چندان به یک دستی زبان در اثرش اهمیت



نمی‌دهد. چنان که در شعر «دست در دست عروس» هم این عدم دستی را می‌بینیم:

«به! چه داماد گلی / مثل شاخ شمشاد...»

موی خود را کرده / یک وری با شانه...»

در این شعر نکته‌ی دیگری هم هست که اگرچه غلط نیست؛ اما گونه‌ای عدم توجه سراینده به صورت شبهه بر انگیز واژه‌ها محسوب می‌شود.

«تا کسی می‌آید / می‌کند زود سلام» اگر چه در این مصرع حرف ربط «تا» و ضمیر «کسی» مجزا هستند؛ ولی امکان دارد «تا کسی (taxi)» هم خوانده شود.

### وجود حشو در کاربرد ضمائر

برخی از مصرع‌های چهارپاره‌ها، به دلیل آوردن پشت سر هم ضمیر، دچار حشو شده است. نمونه‌های زیر از آن دست‌اند:

- «عصرها از روی ایوان / می‌روم می‌بینمش من» (شعر شهر بازی، ص ۸)

- «می‌دهم من یک بیلیت» (شعر غول مهربان، ص ۱۸)

- «حیف از آن بنزینی / که تو دیشب خوردی» (شعر ماشین اوراق،

ص ۲۰)

- «من با نگاهم او را / کردم یواش دنبال» (شعر کرم سبز، ص

۲۳)

البته نمونه‌هایی از حشو در کاربرد قید هم در این کتاب هست:

- «می‌کند تند و سریع / از خیابان‌ها عبور» (شعر غول مهربان،

ص ۱۸)

- «باز هم از دیدنش / می‌شوم خوشحال وشاد»

### تصویرگری وارونه

تصویرگری کتاب بسیار ابتدایی است. البته این ضعف شامل تمام تصاویر نمی‌شود. در بعضی صفحات به دلیل تداخل تصویر و حروف خواندن شعر مشکل می‌شود. (مثل تصویر صفحه‌ی ۱۴ و ۱۵- فقط یک بستنی قیفی) عدم توجه احتمالاً ناشر! هم سبب شده است که اسم شعر «غول مهربان» خارج از صفحه قرار گیرد و تبدیل به «ول مهربان» شود.

\*\*\*

اما در مجموع، این اثر باید در ردیف آثار خوب شعر کودک دید. به ویژه اگر اولین تجربه‌ی سراینده باشد. شاعر در این کتاب، به

موضوع‌های نسبتاً خوب و امروزی پرداخته بود و پررنگ‌ترین شعر تکراری در این اثر، شعر «عمه سرما» بود.

اگرچه عدم یکدستی زبان (چنان که گفته شد)، استفاده از تصاویر نسبتاً تکراری و یا سهل الوصول مثل «غول مهربان» برای اتوبوس، بعلاوه استفاده‌ی قالب بسیار رایج و عمومی چهارپاره در این کتاب، نمی‌گذارد نوآوری‌هایی که شاعر به آن‌ها دست یافته است در خوانش اول خیلی پر رنگ به نظر آید؛ ولی وقتی شعرها را چند بار مرور می‌کنیم، به اتفاقات تازه‌ای می‌رسیم که شاعر در موضوع، مضمون و شناخت مخاطب به آن‌ها دست یافته است. امید است با توجه به این نشانه‌های خوب، مجموعه‌های موفق‌تر و متفاوت‌تری از الهام حسینی زاوه در آینده ببینیم. زیرا او در همین اولین (احتمالاً!) مجموعه ثابت کرده است که می‌تواند آینده‌ی خوبی در شعر امروز کودک داشته باشد.

### پی‌نوشت:

1 - Irony

۲ - سیما داد: فرهنگ اصطلاحات ادبی، مروارید، صفحه ۸

3 - Figurative Sense

۴ - پروین سلاجقه: از این باغ شرقی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، صفحه ۲۳۰

5 - Verbal Irony

۶ - علی اکبر شعاری نژاد: ادبیات کودک، اطلاعات، صص ۵۹ و ۶۰

